



بررسی تطبیقی حقوق کودک

در اسناد و مقاوله نامه های بین المللی با قوانین و مقررات داخلی

(قسمت دوم)

امیر ابروئیان

(دانشجوی کارشناسی حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شیراز)

مبحث دوم: تربیت، بهداشت، تغذیه و نگهداری از طفل
گفتار اول: اسناد و مقاوله نامه های بین المللی

۱) اصل چهارم اعلامیه جهانی حقوق کودک مقرر می دارد: «... کودک باید امکان برخوردار از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد.» (۱)
۲) ماده (۱۸) کنوانسیون حقوق کودک مقرر می دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون... همکاریهای لازم را با والدین و قیم قانونی در جهت اجرای مسئولیت هایشان برای تربیت کودک به عمل خواهد آورد و ایجاد مؤسسات و تسهیلات خدماتی را برای نگهداری کودکان، تضمین خواهند کرد.» (۲)
۳) ماده (۲۴) کنوانسیون نیز می گوید:
۱- کشورهای طرف کنوانسیون، حق

اقدامات ضروری را برای یاری والدین و سایر اشخاص مسئول کودک در جهت اعمال این حق به عمل خواهند آورد و در صورت لزوم، کمک های مالی و برنامه های حمایتی را خصوصاً در مورد تغذیه و پوشاک و مسکن فراهم خواهند ساخت. (۴)

گفتار دوم: قانون داخلی

۱) بند ۱۱ اصل چهل و سوم قانون اساسی، تأمین مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه را از ضوابط اساسی اقتصاد ایران می داند.

۲) در قانون مدنی بر طبق ماده (۱۱۹۹)، نفقه اولاد در درجه اول قبل یا بعد از طلاق بر عهده پدر است. (ملاحظه می شود که حقوق خانواده در ایران تحت تأثیر تئوری پدر سالاری است که از قرن ششم تا قبل از انقلاب کبیر

کودک را جهت برخوردار از بالاترین استاندارد بهداشت و تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می شناسند...

۲- کشورهای طرف کنوانسیون... روشهای مناسب را در زمینه کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان و مبارزه با بیماریها و سوءتغذیه اتخاذ خواهند کرد. (۳)
۴) و نهایتاً ماده (۲۷) کنوانسیون اعلام می دارد:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان نسبت به برخوردار از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی را به رسمیت می شناسند.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون مطابق با شرایط ملی و در چهارچوب امکانات خود

فرانسه در روم و فرانسه تحت تأثیر عرف و عادت ژرمن بوده است. (۵)

در حقوق فرانسه، نفقه طفل تا هجده سالگی بر عهده والدین است. اما در حقوق ایران، نفقه ممکن است بعد از سن کبر نیز در صورت واجب‌النفقه بودن به عهده منفق باشد. ماده (۱۲۰۴) قانون مدنی، در تعریف نفقه چنین مقرر می‌دارد: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت، با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». این ماده، از دو جهت قابل بررسی است: اول اینکه، آنچه به عنوان اجزای نفقه در قانون آمده است نمو نه‌ای از مهمترین نیازمندیهای زندگی است و بنا بر این، منطوق ماده جنبه حصری ندارد (۶) و می‌توان سایر هزینه‌های ضروری در زندگی امروز را هم به آن افزود. از سوی دیگر، هزینه تحصیل و درمان اطفال با توجه به توضیحات بالا و همچنین با استناد به ماده (۱۱۷۸) نیز جزء موارد نفقه اطفال محسوب می‌شود. (۷) چرا که عدم تأمین هزینه‌های درمان و تحصیل اطفال نمونه بارز مهمل گذاشتن کودک محسوب می‌شود. دوم اینکه، این ماده مقرر می‌کند که میزان نفقه اطفال با در نظر گرفتن درجه استطاعت مالی منفق تعیین خواهد شد. این مسئله موجب بروز نوعی تضاد طبقاتی در میان اطفال گردیده و آشکار میکند که قانونگذار، وجود تبعیض طبقاتی را به رسمیت شناخته است. قابل ذکر است که دادگاهها در سراسر جهان برای تعیین میزان نفقه، به استطاعت مالی طرفین توجه می‌کنند. با این وجود، قانونگذار می‌بایست برای رعایت حقوق کودکان، یک حداقلی را به عنوان استاندارد نفقه اطفال تعیین کرده و خانواده را (در هر درجه از استطاعت مالی که باشد) موظف به پرداخت آن کند. از سوی دیگر، با

گسترش امکانات تأمین اجتماعی و تصویب قوانین لازم، در صورت عدم استطاعت خانواده در رعایت آن حداقل و پایین تر بودن سطح معیشتی خانواده از استانداردهای مقرر در قانون، دولت را موظف به تأمین این مخارج کند. (۸) بر اساس تبصره «۱۱» قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۷، اعتباری به منظور نیل به عدالت اجتماعی از طریق ایجاد پوشش بیمه خدمات درمانی و تقویت قدرت خرید و بهبود معیشت خانوارهای کم‌درآمد کشور، تخصیص یافت که بر اساس ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی آن (مصوب ۱۳۷۷/۲/۲)، کودکان بی سرپرست و بدسرپرست نیز تحت پوشش این حمایتها قرار گرفتند. این حمایت‌ها شامل ارائه خدمات بهداشتی، تقویت قدرت خرید ارزاق عمومی و معیشت خانواده و همچنین هزینه‌های آموزشی، تحصیلی و خدمات فرهنگی در کلیه سطوح تحصیلی و... می‌باشد. بر اساس آیین‌نامه مزبور، این کمک‌ها، به خانوارهای تک نفره یا دو نفره در صورتی تعلق می‌گرفت که در آمد سالانه آنها در صورت روستایی بودن از ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال و در صورت شهری بودن از ۱۴۰۰/۰۰۰ ریال کمتر باشد. در صورتی که درآمد سالانه خانوار کمتر از ۷۰٪ سقف تعیین شده باشد، از کلیه حمایت‌ها و خدمات، در آمد بین ۷۰٪ تا ۹۰٪ سقف تعیین شده حسب نیاز از کلیه خدمات و حمایت‌ها به غیر از مستمری ماهانه، و درآمد بین ۹۰٪ تا سقف تعیین شده نیز تنها تحت پوشش خدمات موردی درمانی و بیمه‌ای قرار می‌گرفتند. مبلغ مستمری تعیین شده برای یک خانوار دو نفره، ۵۰/۰۰۰ ریال و برای یک خانوار چهار نفره، ۹۰/۰۰۰ ریال بود. در بند «الف» ماده (۷) آن نیز چنین مقرر شده است:

« افزایش ظرفیت پذیرش مورد نیاز برای

انجام امور مربوط به حضانت، حمایت، نگهداری، بازپروری، توانبخشی و مراقبت از کودکان و سالمندان بی سرپرست و یا دارای سرپرست فاقد صلاحیت و... توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) صورت گیرد. (۹)

در سال ۱۳۷۱، نیز در راستای اجزای اصل بیست و یکم قانون اساسی، قانونی تحت عنوان تأمین زنان و کودکان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و حمایت‌های مالی و فرهنگی و همچنین حمایت‌هایی در جهت نگهداری از اطفال بی سرپرست را (برای پسران تا سن پانزده سالگی و برای دختران تا سن ازدواج) در نظر گرفته است. متأسفانه این قانون، از کودکانی که دارای سرپرست بوده و سرپرست آنها فاقد امکانات مالی می‌باشد، هیچ حمایتی نکرده است و تا سال ۷۶ نیز امکانات اجرایی آن فراهم نگردیده بود. (۱۰)

آنچه که از مجموع این مباحث می‌توان نتیجه گرفت این است که در قوانین فعلی ما هیچ راه حل کارآمدی برای حل مشکلات معیشتی اطفال نیازمند وجود نداشته است. اگر در برخی موارد، اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است تنها جنبه مقطعی و یا صوری داشته است. به هر حال، در صورتی که هیچ اقدامی در این زمینه از سوی مقنن صورت نگیرد، فقر باتمام تلخی خود زندگی بسیاری از اطفال معصوم را در بر خواهد گرفت.

شاید فقر را نتوان عامل همه جنایات شمرد، اما آمار روبه‌افزایش بزهکاری نشان می‌دهد که تبه‌کاری در محیطی افزایش می‌یابد که امکانات آن بسیار ناچیز و در حداقل قرار گرفته و اعتلای اجتماعی هم غیر ممکن باشد. این محیط همان محیط فقر زده‌ای است که در گوشه و کنار جامعه مان به وفور دیده می‌شود. محیطی که گاه پدران را از خرید یک دفتر برای فرزندان خود عاجز

می‌کند. در ماده (۱۱۰۴) قانون مدنی، نیز زوجین مکلف به تربیت اطفال خویش شده‌اند. همچنین در ماده (۱۱۷۸) قانون مدنی، قانونگذار مقرر می‌دارد که ابوبین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند. به علاوه ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی، مسئله عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست را مطرح کرده و به دادگاه امکان می‌دارد که چنانچه سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، بتواند بنا به تقاضای اقربای طفل یا قیم و یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای نگهداری طفل مقتضی می‌داند، اتخاذ کند. این ماده بیانگر توجه قانونگذار نسبت به رشد اطفال بوده، پرورش طفل را نه تنها به عنوان یک مسئله مهم و ضروری تلقی کرده، بلکه اعلام داشته در صورتی که سرپرست طفل صلاحیت نگهداری از وی را نداشته باشد، حتی بدون نیاز به شاکای خصوصی، با درخواست رئیس حوزه قضایی، دادگاه می‌تواند هر تصمیمی را که مطابق مصالح طفل باشد، اتخاذ کند.

گفتار سوم: تجزیه قوانین با واقعیات
برای انطباق این قوانین با واقعیات، نیازی نیست که به آمار مراجعه کنید. تنها کافی است نگاهی به اطراف بیندازید تا موضوع کاملاً برایتان آشکار شود. چه بسیار دیده می‌شوند کودکان نحیفی که ماشین‌ها را پاک می‌کنند و برای فروش یک بسته شکلات التماس می‌کنند و...

بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ م، در ایران ۲۹٪ کودکان زیر پنج سال دچار کم‌وزنی هستند. در همین گزارش، آمار اطفال کم‌وزن

در کشور های امارت ۷۰٪، چاد ۳۱٪، افغانستان و سومالی ۴۰٪ گزارش شده است. (۱۱) وزیر بهداشت و درمان در سال ۱۳۷۸، اعلام کرد که حداقل ۸۰۰ هزار کودک زیر پنج سال به دلیل سوء تغذیه دچار کوتاهی قد هستند و همچنین ۵۴۰ هزار کودک ایرانی به همین دلیل دچار کمبود وزن می‌باشند، که این تعداد قطعاً در روستاهای دور افتاده و مناطق محروم بسیار بیشتر است. تنها در شهر تهران حداقل ۲۰ هزار کودک خیابانی وجود دارد. (۱۲) همچنین بر اساس آخرین آمار سازمان یونسف در سال ۱۹۹۹ م، نیز در حدود چهارصد هزار کودک خیابانی در ایران وجود دارد (۱۳) که از ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی، آموزشی، تغذیه و حتی مسکن محروم هستند. در اینجا لازم است تا در ابتدا تعریفی از کودکان خیابانی به عمل آید و در ادامه علل به وجود آمدن چنین معضلی به نحو اجمال بررسی شود. یونسکو، بچه های خیابان را کودکان و نوجوانان ولگرد و آواره‌ای می‌داند که از خانه بریده‌اند و در خیابانها با گدایی و دستفروشی و نظایر آن روزگار می‌گذرانند و معمولاً در خیابانها و مکانهای بازی می‌خوابند. (۱۴) اما در بررسی عوامل مؤثر در تشکیل کودکان خیابانی می‌توان به گسترش میزان فقر در سطح جامعه، بالا رفتن آمار اعتیاد در کشور و افزایش میزان طلاق، ناسازگاریهای اجتماعی در میان خانواده های ایرانی و در نهایت، وجود بیش از چند میلیون مهاجر افغانی در کشور اشاره کرد. از یک سو، رشد شهرنشینی و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی و گسترش اقتصاد مبتنی بر سرمایه داری افسار گسیخته بدون وجود ابزارهای حمایتی، منجر به افزایش سرسام آور فقر در میان اقشار کم درآمد جامعه و عقب ماندگی هر چه بیشتر

اقتصاد خانواده های آسیب پذیر شده است و از سوی مراجع ذی ربط، بنیان خانواده هر چه بیشتر متزلزل گردیده، کارکردهای نامناسب آن افزایش یافته است؛ به گونه ای که با بروز کوچکترین مشکل در مسیر زندگی مشترک زوجین، راه آسانتر، یعنی طلاق را برگزیده و کانون خانواده را از هم متلاشی می‌کنند در کنار همه این عوامل نیز می‌بایست به افزایش هولناک آمار معتادین به مواد مخدر در کشور اشاره کرد که با کاهش سن متوسط اعتیاد و افزایش تعداد معتادین، خود به یکی از عوامل مؤثر در تخریب ساختار خانواده های ایرانی مبدل شده است. مجموعه ای از این عوامل موجب ایجاد محیط نامناسب خانوادگی و آسیب پذیری شدید نهاد خانواده در کشور گردیده است؛ که یا منجر به انحلال خانواده و به وجود آمدن کودکان طلاق می‌شود و یا در صورت استمرار زندگی مشترک موجب پیدایش خانواده های ناپهنجار و در نتیجه کودکان ناسازگاری گردد، که هر دو از عوامل مؤثر در به وجود آمدن پدیده کودکان خیابانی در کشور محسوب می‌شوند. آری، این کودکان از کاخهای افسانه‌ای ویا خانه های مملو از عشق و ثروت نگریخته‌اند. در حدود ۶۰ درصد این کودکان، مهاجرینی هستند که به علت فقر خانوادگی برای تأمین معاش خود ویافتن کار و کسب در آمد، به تهران آمده‌اند. باقی نیز یا فاقد سرپرست بودند یا به دلیل شرایط ناپهنجار خانوادگی و اختلافات شدید از خانه فرار کرده‌اند و چون جایی برای خواب ندارند به پارک ها و میادین و حتی خانه های متروک و زیرپل ها پناه می‌برند. این گروه از کودکان معمولاً در همین مکانها جذب بزهکاری میشوند. اینان کودکان آواره‌ای هستند که اغلب از طریق دستفروشی، گدایی و یا زیرورو کردن زباله ها روزگار

می گذرانند. باید پرسید: وقتی کودکی یا طفلی به علت ناهنجاریهای موجود در خانواده، از خانه به امید زندگی بهتر می گریزد و به شهرهای بزرگی چون تهران و شیراز می رود، آیا مؤسسه ای، نهادی و سازمانی در کشور وجود دارد که به وی پناه دهد و از افتادنش در دام فحشا و اعتیاد و... جلوگیری کند. (میزان فرار دختران به حدی رسیده است که تعداد خانه های سلامت سازمان بهزیستی در تهران، از ده مرکز در سال ۷۸ به ۲۲ مرکز در سال ۷۹ افزایش پیدا کرده است؛ که این خود ناکارآمدی اقدامات صورت گرفته در جهت جلوگیری از پدیده فرار کودکان در کشور را آشکار می کند.) بر طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، اکثر کودکان خیابانی مورد سوء استفاده های جنسی، روانی و اقتصادی قرار میگیرند و بسیاری از آنها هم به بیماری های غیر قابل علاج دچار می شوند. مطالعات موردی نشان می دهد که بیش از ۹۵ درصد ساکنین کانون اصلاح و تربیت تهران، یا فاقد خانواده بوده اند و یا بحرانهای جدی در روابط خانوادگی داشته اند. تعداد کثیری از آنها در خیابان زندگی میکنند و برخی از آنان نیز به خاطر نداشتن جا و مسکن برای خواب، بخصوص در زمستانها، اقدام به سرقتهای آشکار میکنند تا به کانون منتقل شوند تا در زمستان جایی برای خواب داشته باشند. (۱۵) تا کنون از سوی دستگاههای ذی ربط هیچ اقدام مؤثری در جهت کمک به این کودکان صورت نگرفته است. «در خانه سبز تهران تنها ۳۰۰ کودک خیابانی نگهداری و بازپروری شده اند (تا آبان ۱۳۷۸)» (۱۶) امروزه مشخص شده است که اکثر عقب مانده های ذهنی، از محروم ترین طبقات اجتماعی هستند. تحقیقات در این زمینه نشان می دهد که رژیم غذایی ناکافی می تواند به سوء تغذیه و

سطوح پایین انرژی و ضعف انگیزش منجر شده؛ به علاوه، فقدان مراقبتهای طبی به طور جدی رشد فرد را مختل کرده و موجب عقب ماندگی ذهنی طفل می شود. با وارد شدن این اطفال به مدرسه، با وجود این معلولیت ها، بیشتر عقب میمانند و این امر سبب می شود که معلمین انتظار چندانی از آنان نداشته باشند. جامعه و کلاس درس نیز چیزی ندارد که مانع از لغزش آنان به سوی تشخیص دایمی عقب ماندگی گردد. (۱۷) متأسفانه، در کشور مواردی دیده شده است که اطفال در اثر گرسنگی به مرگ نزدیک شده اند و با این حال بیمارستانها از پذیرش آنان خودداری کرده اند. حتی در برخی موارد بیمارستانها از پذیرش و درمان کودکان مریض به علت عدم توانایی والدین در تحمل هزینه های درمان استنکاف ورزیده اند. اعتیاد نوجوانان ده و دوازده ساله، فحشای دختران چهارده ساله، (در گزارشی ذکر شده بود که میانگین سن فحشا در طول یکسال، از بیست و هفت سال به بیست سال کاهش پیدا کرده است.) (۱۸) بیرون کردن اطفال خردسال از خانه و یا وادار کردن آنان به تکدی و قاچاق، سرقت و فحشا امروزه تقریباً امری شایع است. به عنوان نمونه، مردی فرزند ده ساله خود را به یک پیرمرد افغانی می سپارد تا از تأمین مخارج وی رها شود، طفل مزبور در مسافرخانه محل سکونت پیرمرد بارها مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد، به حدی که تعادل روانی خود را از دست داده و چندین کودک سه و چهار ساله را معدوم می کند؛ و یا زنی که برای سیر کردن شکم فرزندانش گدایی می کرد و می گفت که اگر تکدی نکنم دختر نه ساله ام از گرسنگی می میرد و اگر او را با خود به خیابان نیاورم در خانه تحت تجاوز جنسی قرار میگیرد. برآستی چه کسی پاسخگوی این

فجایع است؟ (۱۹)

ادامه دارد

پی نوشت ها:

- ۱- ۲-۳-۴- عبادی شیرین، حقوق کودک، به ترتیب ۲۰۴، ۲۰۲، ۱۹۰ و ۱۸.
- ۵- عرفانی، محمود، عنوان مقاله: حمایت اقتصادی و قضایی کودک به هنگام طلاق و جدایی والدین در حقوق ایران و کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد، فصلنامه دیدگاههای حقوقی شماره دوم، پورخ، ۱۳۷۶، شماره ۷، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، قانون ما نمی، در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر دادکستر، چاپ سوم سال ۱۳۷۸، صص ۷۳۶.
- ۷- عبادی شیرین، حقوق کو ک، صص ۲۸.
- ۸- ممکن است برای خواننده مقاله این سؤال مطرح شود که با وجود مشکلات عدیده مالی دولت اجرای این طرح چگونه ممکن است؟ در پاسخ باید گفت که روزانه میلیاردها ریال توسط مردمی خیر به گدایان در گوشه و کنار شهر پرداخت می شود (درآمد یکی از این افراد روزانه ۸۰ هزار ریال بود) حال اگر این کمک ها با آموزش صحیح و مردمی به یک سازمان خاصی که به این منظور تخصیص یافته پرداخت شود و سایر سازمانها و نهادهای موازی مانند کمیته امداد امام، سازمان بهزیستی و... در آن ادغام گردد این هزینه به آسانی تأمین خواهد شد.
- ۹- روزنامه رسمی شماره های ۱۵۴۴۲- ۱۳۷۶/۱۲/۹ و ۱۵۵۱۱- ۱۳۷۷/۳/۱۰.
- ۱۰- عرفانی، محمود، همان منبع به ترتیب ۲۰۸ و ۲۰۹.
- ۱۱- جهان اسلام از نگاه آمار، روزنامه اطلاعات یکشنبه ۱۱ دی ۱۳۷۹، شماره ۲۲۱۹۶.
- ۱۲- ماهنامه اندیشه و جامعه بخش رویداد شهریور سال ۱۳۷۸، شماره ۵۵، صص ۵۵.
- ۱۳- منصوری، عباس، مقاله جهان در آستانه پیوست هزاره ها مجله اندیشه و جامعه، شماره ۹، صص ۵۵.
- ۱۴- ۱۵- شمس، مستوفی، شهریار، عنوان مقاله "کودکان خیابانی"، مجله اندیشه و جامعه، شماره ۷، صص ۳۰ و ۳۱.
- ۱۶- میر محمدی، داوود، عنوان مقاله "وضعیت کودکان خیابانی در ایران (ولسین بخش) کودکان خیابان اقدامات پیشگیران" تهران، روزنامه همشهری ۱۳۷۸/۸/۱۲.
- ۱۷- کاستلو تیموتی، کاستلو جوزف، روانشناسی ناپهنجاری صص ۴۴۷ و ۴۴۶.
- ۱۸- نقل از گزارش حجت الاسلام زم (رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران).
- ۱۹- موارد فوق توسط نگارنده در سطح شهر مشاهده گردیده است.